

رابرت دنیرو و خیلی‌های دیگر که آدم‌های استخوان خرد کرده‌ی متعهدی نسبت به مردم هستند. اینجا در واقع پول برای بازیگران تعیین کننده است. در حال حاضر می‌بینیم که همین چهره‌ها حتی نمی‌توانند در برابر حتی نوعی از آگهی‌های بازرگانی مبتذل مقاومت کنند و به سادگی به این کارها تن می‌دهند. بنابراین تنها چیزی که برای آن‌ها تعیین کننده است پول است. مگر اینکه ضوابط و چارچوب روشنی به شکل مدون وجود داشته باشد و این‌ها مجبور باشند با آن سیستم کار کنند. مثل مشاغل دیگر. در نتیجه به نظر من در برابر پیشنهادهای بهتر طبعا انتخابشان جایی است که چرب و شیرین دنیا در آن بیشتر باشد. نه اینکه مطلق بگویم. حتما می‌توانیم آدم‌هایی را پیدا کنیم که برای خودشان یک اصولی دارند اما با آن چیزی که تجربه نشان داده و ما دیده‌ایم اغلب کسانی هستند که چرب و شیرین دنیا برای آن‌ها بر هر چیزی ارجح است.

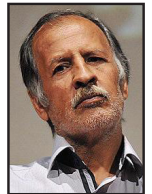
● در حال حاضر تمام سالن‌دارها و کارکنان سینما یک قشری هستند که به نسبت حتی دیگر صنوف واسطه‌ای، تولیدی و حتی دلای ما آسیب‌های جدی‌تری دیده‌اند. چه سرمایه‌ای برای سالن در فلان منطقه‌ی شهر شده و با این همه سرمایه‌ای که در آنجا خوابیده‌اند دو سال است که عملاً برای آن‌ها سودآور نبوده‌است. بنابراین دولت باید حتما در این مواقع در کنارشان قرار بگیرد و برنامه‌های حمایتی جدی برای آن‌ها داشته باشد. به نظر من آن‌ها به این راحتی نمی‌توانند ضررهایشان را جبران کنند و متأسفانه هر روز آسیب جدی‌تر و ضررهای بیشتری می‌کنند. کمک‌های حداقلی هم که به ما می‌شود این است که برای مثال صندوق اعتباری هنر یک میلیون و پانصد هزار تومان به من می‌دهد اما در حال حاضر دو سال است که همه‌ی کارها، فرهنگسراها و برنامه‌های نقد تعطیل است. در این شرایط من به عنوان یک منتقد حرفه‌ای چکار باید می‌کردم؟ حالا شما ببینید آدمی مثل من اینطور است، وای به سالن‌دارها و کارکنان سینما.

می‌توانند سی‌دی بفرشند. بنابراین شبکه‌ی توزیع موجود، امکانی را به سرمایه‌گذارانی که به دنبال بازگشت سریع سرمایه‌شان هستند می‌دهد تا جذب شبکه نمایش خانگی شوند و با آوردن سرمایه‌شان به شبکه نمایش خانگی طی دو ماه و بعضاً حتی کمتر، یک سریال را کلید می‌زنند، قسمت‌های اولش را روانه‌ی بازار کرده و سود آن را به سرعت دریافت می‌کنند. در حال حاضر در هیچ صنعتی در کشور ما اینطور به راحتی و به فوریت سرمایه‌ها بر گشت ندارد. هر کسی بخواهد در هر رشته‌ی صنعتی سرمایه‌گذاری کند فقط چندسال طول می‌کشد تا بتواند موافقت اصولی بگیرد. باید بود، مکانی را تهیه کند، وام بگیرد و هزار مشکل دیگر دارد و زمانی که تولید شروع شود مشکلات عدیده‌ای از قبیل کارگر، بیمه، مشتری و بازاریابی پیدای می‌کنند. در حالی که در شبکه نمایش خانگی یک سرمایه‌ی بیست میلیاردی در عرض دو ماه به برگشت سرمایه و حتی سود خیلی بالا می‌رسد. زیرا در حال حاضر مردم مخاطب این سریال‌ها هستند.

● سینمای کشور طی این هفت، هشت سال آسیب دیده‌ام در این دو سال با وجود کرونا دیگر به ورشکستگی کامل رسیده‌است. این مساله آسیب جدی به منافع ملی و امنیت کشور، سرمایه‌های ملی کشور و نیروی انسانی کشور است. به هر حال سینما کارکرد درازمدتی در نهادینه کردن فرهنگ دارد اما شبکه نمایش خانگی یک کارکرد سرگرمی‌سازی صرف دارد و اساساً در راستای انهدام حتی فرهنگ کشور عمل می‌کند. بنابراین به نظر می‌آید که به این راحتی‌ها نیست و آن‌ها اصلاً باز نمی‌گردند.

● ما اساساً در بین چهره‌هایمان آن مفهومی را که در سیستم‌های تولیدی مثل هالیوود، بالیوود و حتی کشورهایی مثل انگلیس، آلمان و چین در این چند سال گذشته برقرار بوده نداریم. در کشور ما چهره‌های ملی، یعنی کسانی که دغدغه‌های فرهنگی، اصول اعتقادی و تعلق خاطر ملی و مسائل این چنینی دارند بسیار کم هستند. برای مثال کسانی مانند مارلون براندو یا آلن دلون در فرانسه و

محمد تقی فهیم، منتقد تلویزیون و سینما شبکه نمایش خانگی به سرعت بازگشت سرمایه دارد



کرونا عامل اصلی رکود سینما نیست اما به هر حال تاثیر گذاشته و سینما را متوقف کرده‌است. در واقع کرونا به سینما آسیب جدی زده و به کسانی که در شبکه نمایش خانگی حضور دارند یک فرصتی را داده‌است. اگر کرونا پشت سر بگذاردیم که حداقل به این زودی‌ها نخواهد بود و آنطور که مشخص است یکی، دو سال آینده را درگیر هستیم؛ سینما با هم متأسفانه به دلیل مدیریت غلط و بی‌توجهی به برخی مولفه‌های حفظ تماشاگر دچار این ورشکستگی خواهد بود و قهر مخاطب را به این راحتی‌ها نمی‌تواند تبدیل به آشتی‌کننده‌ی گذاری اتفاقات کنونی شبکه نمایش خانگی پیش از کرونا کرده‌است و برای جذب برخی سرمایه‌های مشکوک و یا پول‌هایی که از راه‌های مفت به دست آمده و گسیل آن به سمت شبکه نمایش خانگی، ریل‌گذاری صورت گرفته‌است. اما به هر حال تعطیلی سالن‌ها فرصتی شد تا شبکه نمایش خانگی رونق بیشتری بگیرد و آن فرصت را تبدیل به گل طلایی کند.



سجاد نوروزی

فروش و چرخش مالی سینمای ایران در سال نود و هشت، دو بیست و نود میلیارد تومان بود. این چرخش دو بیست و نود میلیارد تومانی ممکن است پول یک آپارتمان در یکی از مناطق تهران باشد. در قیاس با جمعیت جوانی که داریم متأسفانه اصلاً مخاطب سینما نداریم

● تهیه‌کنندگان سینما به دلیل رعایت ضوابط صنعتی و دغدغه‌های سینمایی‌شان که به هر حال می‌توان گفت از قبل بیشتر است؛ و اینکه حداقل نیمی از تهیه‌کنندگان آدم‌های موجهی هستند و صرف پول و سرمایه نبوده که آن‌ها را به سینما آورده و دغدغه‌هایی داشته‌اند. به این سادگی اینطور پول‌ها را به کسی نمی‌دهند، ضمن اینکه خانگی سینما و صنوف مختلف به آن‌ها اجازه نمی‌دهد. بنابراین چهره‌ها در سینما چنین حلوا‌ی لن‌ترانی را پیدا نخواهند کرد. باید در سیاست‌گذاری‌ها، هدف‌گذاری‌ها و خصوصاً ریل‌گذاری‌های وزارت ارشاد در حوزه‌ی سینما به کمک صنوف تغییراتی ایجاد شود و با خطوط قرمز سلیقه‌ای برخورد شود؛ یعنی خطوط قرمز کلان و کاملاً شناخته‌شده و مسائلی که به لحاظ ملی آسیب می‌زند مد نظر قرار بگیرند تا بتوانند به نوعی با این خط قرمزهای سلیقه‌ای که اعمال می‌شود مبارزه کنند. در هر صورت اگر بستر سینما از هر نظر بستر خوبی باشد و همانطور که گفتم با ضوابط درست و شرایط تولید خوب باشد، طبیعتاً آن‌ها باز می‌گردند.

● شبکه‌ی نمایش خانگی به سالن نیاز ندارد، یک شبکه‌ی توزیع سراسری برای آن وجود دارد و این محصولات به راحتی از طریق سوپرمارکت‌ها، مغازه‌ها و دک‌ها و ... توزیع می‌شوند، اما این امکان برای سینما نیست. هزار و صد شهر از کشور ما سالن سینما ندارند، در حالی که در شبکه نمایش خانگی همه‌ی دک‌های سیگار فروشی، محله‌ها و شهرها

